

وقتی دلارهای سعودی هم حریف بازی ترامپ نشدند

تله هسته‌ای واشنگتن برای ریاض

در تاریخ ۲۲ جولای (۲ مرداد)، کریس رایت وزیر انرژی ایالات متحده و همتای سعودی‌اش، توافق‌نامه‌ای را برای مشارکت هسته‌ای غیرنظامی میان دو کشور امضا کردند. این قرارداد چند ده ساله و چند میلیارد دلاری به شرکت‌های آمریکایی اجازه می‌دهد تا نیروگاه‌های هسته‌ای تجاری را در خاک عربستان احداث و مدیریت کنند؛ توافقی که احتمالاً شامل یک تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم نیز می‌شود.

شرح در صفحه ۶

واکوی تغییر مرجعیت رسانه‌ای از استودیوهای تلویزیون تا تلفن‌های همراه

پایان عصر تلویزیون آغاز حکمرانی یوتیوبرها

صفحه ۶

قرارداد میلیاردی فقط با یک تماس!

پشت پرده امپراتوری ایجنت‌ها

صفحه ۵

عراق، آخرین سنگر صادرات ایران زیر فشار تحریم‌ها

نبض تجارت تهران وبغداد در دستان واشنگتن

صفحه ۶

خبر

معار یو:

هیچکس در کاخ سفید منتظر نتانیاهو نیست



همزمان با اعلام تعویق سفر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به واشنگتن، یک تحلیلگر صهیونیست با استناد به ارزیابی مقام‌ها و تحلیلگران آمریکایی فاش کرد که وی در پایین‌ترین سطح نفوذ و جایگاه خود در کاخ سفید و کنگره قرار دارد و حمایت حلقه نزدیکان رئیس‌جمهور آمریکا را نیز از دست داده است.

به گزارش ایسنا، «شلومو شمیر» تحلیلگر صهیونیست در یادداشتی در روزنامه «معاریو» سفر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر به واشنگتن را بی‌فایده توصیف کرد و نوشت که تلاش مستمر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی برای دیدار با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نشان‌دهنده بی‌اطلاعی او از تحولات اخیر در کاخ سفید و تغییر رویکرد حلقه نزدیکان رئیس‌جمهور آمریکا است.

وی گفت که جایگاه سیاسی نتانیاهو در واشنگتن به پایین‌ترین سطح خود در تاریخ روابط آمریکا و رژیم صهیونیستی رسیده و او به شخصیتی تبدیل شده است که حضورش برای محافل سیاسی آمریکا موجب دردسر و تنش است.

به نوشته این تحلیلگر، یک شخصیت ارشد یهودی در آمریکا که از روابط گسترده‌ای با مقام‌های کاخ سفید برخوردار است، گفته است: «امروز حتی یک مقام ارشد در کاخ سفید وجود ندارد که از نتانیاهو حمایت کند یا نگاه مثبتی به او داشته باشد.» به گفته این منبع، نتانیاهو هنوز درک نکرده است که سفر کنونی‌اش به کاخ سفید، «رود به لانه مارها» است.

این گزارش همچنین به نقل از تحلیلگران باسابقه واشنگتن آورده است که نتانیاهو در شرایط فعلی «دلیلی برای حضور در کاخ سفید ندارد» و حتی اگر از این سفر دستاوردی به دست بیاورد، به احتمال زیاد از نتایج آن رضایت نخواهد داشت.

بر اساس این گزارش، رسانه‌های آمریکایی از جمله وال استریت ژورنال پیش‌تر گزارش داده بودند که دونالد ترامپ در گفت‌وگو با مشاوران خود درباره نتانیاهو از عبارات تندی استفاده کرده و گفته است: «نمی‌خواهم با او صحبت کنم.»

به ادامه گزارش آمده است که نتانیاهو هیچ‌گونه نفوذ مؤثری بر تصمیم‌های دولت آمریکا در پرونده‌ها ندارد و نمی‌تواند بر سیاست‌های واشنگتن درباره ایران یا ترکیه اثر بگذارد.

در بخش دیگری از این گزارش فاش شده است که جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا و شماری از مشاوران ارشد ترامپ دیدگاه مثبتی نسبت به نتانیاهو ندارند و از گسترش روابط نزدیک میان کاخ سفید و کابینه او حمایت نمی‌کنند. همچنین از استیو ویتکاف، فرستاده ویژه آمریکا در امور غرب آسیا و جارد کوشنر، داماد و مشاور ارشد ترامپ به‌عنوان افرادی یاد شده که روابط پرتنشی با نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دارند.

معار یو همچنین به نقل از یک مقام ارشد یهودی در آمریکا نوشته است که کاهش بی‌سابقه حمایت از رژیم صهیونیستی در کنگره آمریکا، از جمله رأی مثبت ۱۰۳ نماینده دموکرات به طرحی برای قطع کمک‌های سالانه واشنگتن به این رژیم، نتیجه عملکرد کابینه نتانیاهو بوده و وی مسئول اصلی این روند محسوب می‌شود.

سه‌شنبه ۶ مرداد ۱۴۰۵

۱۳ صفر ۱۴۴۸

۲۸ جولای ۲۰۲۶

سال بیست‌ودوم

شماره ۶۲۲۰

۸ صفحه

۴۰۰۰ تومان

حمله اوکراین به شناور ایرانی در دریای خزر بررسی شد

صدای پای جنگ از خزر

صفحه ۲



بن‌بست راهبردی آمریکا در برابر ایران

سه گزینه دشوار کاخ سفید در برابر ایران



حامیان و پیاکه رأی ترامپ نیز شنیده می‌شود.

با این وجود، رئیس‌جمهور آمریکا هنوز هیچ نقشه راه روشن و استراتژی مشخصی برای دستیابی به اهداف ادعایی خود در اختیار ندارد. او بدون بهره‌مندی از یک راهبرد منسجم برای تحقق پیروزی وارد این نبرد شد و اکنون مستأصلانه در تلاش است تا راهی آبرومندانه برای خروج از بحرانی بیابد که خود معمار اصلی شکل‌گیری آن بوده است.

ترامپ در دوره‌ای جنگ، تحریم یا خروج از بحران

روز جمعه، هنگامی که از دونالد ترامپ در دفتر بیضی‌شکل کاخ سفید مستقیماً پرسیده شد که آیا به دلیل احتمال آن‌که حمله به نیروگاه‌ها و پل‌های ارتباطی ایران از منظر حقوق بین‌الملل به‌عنوان «جنایت جنگی» تلقی شود در صدور فرمان چنین عملاتی دچار تردید شده است یا خیر، وی از ارائه پاسخی شفاف قیصرانه‌ی رفت و تنها به گفتن این جمله بسنده کرد: «من به این سؤال پاسخی نمی‌دهم.» با این حال، تحلیلگران و ناظران مستقل معتقدند که ریشه تردید واقعی رئیس‌جمهور آمریکا را نباید صرفاً در نگرانی‌های حقوقی جست‌وجو کرد؛ بلکه این محافظه‌کاری ناشی از ملاحظات میدانی و نظامی به‌مراتب فراتر از پیامدهای حقوق بین‌الملل است.

توان دفاعی و لجستیکی ایالات متحده وارد کرده و به کاهش شدید و محسوس ذخایر استراتژیک موشک‌های رهگیر این کشور منجر شده است. مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی (CSIS) در گزارش تحلیلی خود که در ماه آوریل (فروردین) اردیبهشت ۱۴۰۵) منتشر شد، برآورد کرده بود که ارتش آمریکا تاکنون حدود نیمی از ذخایر ارزشمندترین موشک‌های رهگیر خود را در جریان این تقابل مصرف کرده است.

پس از ۱۳ شبانه‌روز متوالی رویارویی و تبادل آتش در جریان درگیری‌های اخیر، مقام‌های ارشد آمریکایی اعتراف کرده‌اند که این ذخایر تسلیحاتی اکنون به مرز بحرانی و هشداردهنده‌ای رسیده‌اند. از نگاه منابع امنیتی در واشنگتن، همین ضعف لجستیکی یکی از پارامترهای اصلی و تعیین‌کننده در تصمیم روزهای اخیر ترامپ برای خودداری از گسترش دامنه جنگ و پرهیز از تشدید درگیری‌ها با ایران بوده است. در همین راستا، نگرانی‌های راهبردی دیگری نیز در محافل امنیتی و تصمیم‌ساز آمریکا در حال شکل‌گیری است. مقام‌های پنتاگون به‌شدت بیم آن دارند که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، و شی‌جین‌پینگ، رئیس‌جمهور چین، این

قسطی شدن درمان؛ الان درمان کن، بعداً پر داخت کن

نسخه هم اعتباری شد

صفحه ۶



سرمقاله سید محمدرضا حسینی علی آباد



بام بی‌حصار تورم و گودال فرسایشِ معیشت

اگر اقتصاد را به مثابه یک بنای عظیم در نظر بگیریم، «قیمت‌ها» سقف این بنا هستند و «معیشت» کف آن. این روزها، شهروند ایرانی در فضایی نفس می‌کشد که سقف این ساختمان از هر سو شکافته و بی‌محابا به آسمان اوج گرفته، اما کف زیر پایش نه تنها مستحکم نشده، که ترک‌های عمیق و دهان‌پاکرده‌ای برداشته است. ما با پدیده‌ای دوجوهی و به شدت فرساینده مواجهیم: «سقف شکسته قیمت‌ها» و «کف ترک‌خورده معیشت». این یک بازی حاصل جمع جبری صفر نیست؛ بلکه معادله‌ای با خروجی منفی فاجعه‌بار برای کرامت انسانی و امنیت ملی است. اجازه دهید از سقف شروع کنیم؛ جایی که نظام قیمت‌ها دیگر نه یک شاخص قابل اتکا، که یک هیولای رهاشده است. منظور از «شکسته شدن سقف»، الزاماً فقط اعداد سرسام‌آور تورم نقطه‌ای نیست، بلکه فروپاشی «لنگرهای انتظاری» و «مرجعیت قیمت» است. در یک اقتصاد سالم، قیمت‌ها سقف مشخصی دارند که منطق هزینه‌های تولید، بهره‌وری و کشش بازار آن را تعیین می‌کند. اما وقتی اقتصاد به تورم مزمن و شوک‌های پیاپی نرخ ارز، حامل‌های انرژی و ناترازی‌های بودجه‌ای آلوده شود، این سقف فرو می‌ریزد. فروشنده دیگر نمی‌داند کالایی که امروز می‌فروشد، فردا یا چه قیمتی باید جایگزین کند. این «چهل مقدس قیمتی» منجر به اعلام نرخ‌های بازدارنده می‌شود؛ قیمتی که فروشنده را در برابر نوسانات آتی بیمه کند، حتی اگر مشتری از صحنه خارج شود. نتیجه، شکسته شدن سقف‌های روانی و عددی است؛ جایی که دلار، مسکن، خودرو و حتی اقلام خوراکی، دیگر مرز شناخته‌شده‌ای ندارند و هر روز قله‌ای جدید را فتح می‌کنند. این تنها گرانی نیست، «بی‌سقفی» و رهاشدگی قیمت‌هاست. حال بنگرید به کف ترک‌خورده معیشت. در حالی که قیمت‌ها رفتاری پروازی و بی‌حد و مرز دارند، درآمد و دستمزد، اسیر یک «کف سخت سرکوب‌شده» است.

ادامه در صفحه ۶